



جستاری درباره شکل گیری و فراز و فرودهای دولت چهاردهم

تقدیر و تدبیر پزشکیان

گزارش

مرتضی گل پور

دبیر گروه سیاسی

ما ریاست جمهوری مسعود پزشکیان را مروهون بخت و اقبال هستیم. قاعده کنش ها، رفتارها و انتخاب های انسان ها مثل علم فیزیک نیست که «اگر» دما به ۱۰۰ درجه برسد، «آنگاه» آب به نقطه جوش می رسد. در زندگی انسانی جایی برای این فرمول دقیق «اگر، آن گاه» نیست و این ناپایداری برای ما شدیدتر است. در زندگی پیش بینی ناپذیر ما ایرانیان، قاعده مندی استثنا است و استثنا همیشه قاعده. رفتارهای انسانی دارای بالاترین حد عدم قطعیت است. نه فقط به خاطر اینکه انسان براساس منافع و ملاحظات درونی و بیرونی «تصمیم» می گیرد، بلکه نتیجه و مسیر این تصمیم، به تصمیم دیگر انسان هایی بستگی دارد که دارای همان میزان عدم قطعیت در تصمیم و انتخاب هستند.

برای همین انسان ها نهادها را ساختند تا رفتارها را قابل پیش بینی و زندگی جمعی را مدیریت کنند. اما در جامعه ای چون جامعه ما، که نقش آفرینی نهادها، از سیاست و جامعه تا مثلاً وزارتخانه ها روبه ضعف می روند، سهم و نقش «بخت» در زندگی جمعی فزونی می یابد. اما درباره رئیس جمهور شدن مسعود پزشکیان، بخت چگونه با ما یار بود؟ واقعیت این است که قرار نبود بخت به نفع ما عمل کند. اگر نাত্রازی های اقتصادی و اجتماعی فزونی نمی یافت، اگر انتخابات مجلس دوازدهم با حداقل مشارکت برگزار نمی شد، اگر جنگ ایران و اسرائیل بالا نمی گرفت، اگر صلاحیت پزشکیان با دخالت مقامات عالی تأیید نمی شد، اگر ترکیب نامزدها ۵ به یک نمی شد، اگر پزشکیان و سعید جلیلی به دور نهایی راه نمی یافتند و اگر و «اگر» های دیگری در میان نبود، شاید مسعود پزشکیان امروز رئیس جمهوری اسلامی ایران نبود.

فرایندهای سیاسی از ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ این تصور را برای ایرانیان ایجاد کرده بود که تا اطلاع ثانوی از رئیس جمهور تحولخواه خبری نیست. نه مردم رغبتی برای مشارکت سیاسی و انتخاباتی نشان می دادند، نه فرایندهای سیاسی نشانهای از ایجاد زمینه برای حضور این دست نامزدها را نشان می داد. گویی همه چیز، از فرایندهای سیاسی رسمی تا فرایندهای سیاسی اجتماعی، دست به دست هم داده بود تا یک روند ثابت سیاسی و بدون تغییر شکل بگیرد. اما همه بازیگران سیاسی، از جریان های اصولگرای نابگرا، تا اصلاح طلبان دودل و مردم بی رغبت به صندوق رای، این جمله کتاب جلیل «کلیله و دمنه» را نخوانده یا از یاد برده بودند که «همه تدبیرها سخره تقدیر است.» یعنی که تقدیر بازی های بزرگ را بهم می زند.

پس، ریاست جمهوری مسعود پزشکیان، خرق عادت است، خلاف قاعده است. زسرا فرایندهای سیاسی و اجتماعی سال های قبل این ذهنیت را برای همه ساخته بود که دیگر نهایی چون یک رئیس جمهور وفاق گرا به بار نمی نشینند. اما بخت کار خود را کرد و نشان داد زندگی آدمی، محیط آزمایشگاهی نیست که همه چیز قابل محاسبه و پیش بینی باشد. این ها نه تنها نشان داد «در ناامیدی بسی امید است»، بلکه نشان داد «اطمینان برخی جریان ها به یکسره کردن همه چیز»، «خود غلط بود آنچه می پنداشتند.»

با چنین گذشته و سابقه ای است که تکیه پزشکیان بر صندلی عالی ترین جایگاه اجرایی، از آن دست مواهیبی است که در زمان دشواری های پی درپی، خود همچون گریزگاه است.

وقتی بحران ها همزمان از راه می رسند، بحران هایی چون جنگ و نبود برق و کمبود آب و کاهش سرمایه اجتماعی و افول توانمندی اداری، اگر نبود پزشکیان در جایگاه رئیس جمهوری اسلامی ایران، دشواری بحران ها بیشتر می شد.

بخت، اقبال یا تصادف، نبیی از فرآیندهای سیاسی را تشکیل می دهد. هرچه نهاد های سیاسی یک کشور کارآمدتر باشند، سهم بخت در سیاست کمتری می شود و هر چه نهادها کارایی کمتری داشته باشند، سهم بخت بیشتر می شود. اما توسعه یافته یا توسعه نیافته، فرآیندهای سیاسی هیچ کشوری خالی از مقوله بخت نیست.

«ماکیاولی»، بنیانگذار علم نوین سیاست معتقد

بود در کنار اراده انسان و ساختارهای جامعه، نبیی از سیاست، بخت و اقبال است. ماکیاولی در کتاب «شهریار» این مسأله را بررسی می کند که چطور باید قدرت را کسب کرد و چطور باید قدرت کسب شده را حفظ کرد. او برای این دو هدف توصیه های مختلفی به شهریان ارائه می کند. اما در فصل آخر به مسأله «بخت» می پردازد و می گوید: «ادعا نمی کنم بخت بالاتر از اراده آدمی است، اما اگر بخت با اراده آدمی همراه نباشد، راه به جایی نمی برد.» این جمله ماکیاولی که «بهترین فرمانروایان هم فقط در نبیی از اوقات پیروز می شوند» ناظر بر نقش بخت در سیاست است. یک دلیل دیگر نقش بخت در زندگی سیاسی ما، پیچیدگی، ابهام و ناشناخته بودن امر سیاسی است. به قول «لویی اشتراوس» فیلسوف سیاسی «این طبیعت حیات سیاسی است که با ترکیبی از معرفت سیاسی و گمان سیاسی هدایت می شود. به همین دلیل زندگی سیاسی همراه است با تلاش برای نشان دادن معرفت سیاسی به جای گمان سیاسی.»

اگر دست بخت نبود و اگر، «اگر» ها نبودند، چگونه و کجا می شد تا گوهر سیاسی و اخلاقی پزشکیان آشکار شود؟ همه آنچه تا پیش از ۲۰ خرداد ۱۴۰۳ بر کشور، مردم و پزشکیان گذشت، گویی مقدمه ای بود برای پزشکیان تا از ۲۰ خرداد ۱۴۰۳ تا ۸ تیرماه ۱۴۰۳، آنچه هست و آنچه می داند و آنچه بلد است را به رأی دهندگان ایرانی بنمایاند. عباس عبدی تحلیلگر سیاسی نقل کرد در دیداری با معاون اول دولت سیزدهم، محمد مخبر به حاضران این طور گفت: «وقتی صبح ۲۰ خرداد ۱۴۰۳ فهرست نهایی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری را دیدم، گفتم خب، با این ترکیب پزشکیان رئیس جمهوری بعدی است.» فهرست نامزدها با «این ترکیب» که مخبر

اشاره کرد، در زمره آن «اگر» هایی است که موجب پیروزی پزشکیان شد. البته که آخر سر اصابت کردن تیرها شده از گمان بخت به هدف، در گرو انتخاب ایرانیان بود.

اما سابقه اصلاح طلبی پزشکیان، آشنایی عمیقش با نهج البلاغه، دوری از تنازع و شکاف سازی و استفاده نکردن از حربه حمله به رقیب برای رأی گرفتن و اجماعی که در اصلاح طلبان شکل گرفت، اگر اینها نبود، رئیس جمهور شدن او در ابهام بود.

می توانست بخت بار ما نباشد و در شرایط فراز آمدن بحران ها، رئیس جمهوری دیگری می داشتیم؛ مثلاً رئیس جمهوری که در دیدار سران قوا تأکید کند «من باید بالای جلسه بنشینم»، نه مثل پزشکیان که

و عدالت است، بگوید دولت من معیار است. می توانست بخت یار نباشد و به جای پزشکیان که صادقانه می گوید در محاسبه میزان ضروری خاموشی ها برای مهار ناترازی اشتباه کردیم، کس دیگری باشد که توان سیاسی و رسانه ای

سران می رود و تأکید می کند همه باید دور یک میز بنشینند تا رئیس جمهوری برتر از دیگران جلوه نکند. می توانست بخت یار ما نباشد و به جای پزشکیان، کسی باشد که درمواجهه با بحران ها، تقصیر را گردن قبلی ها بیندازد، نه مثل پزشکیان که شفاف به مردم می گوید «آب و برق نداریم و باید باهم مشکل را حل کنیم». می توانست بخت یار ما نباشد و کس دیگری در دستور می بود که در مواجهه با منتقدان، ادعای همه چیزدانی و همه توانی کند، نه مثل پزشکیان که می گوید «من چیزی بیش از دیگران نمی دانم و باید از کارشناسان استفاده کرد.» می توانست بخت با ما یار نباشد و بجای پزشکیان که می گوید معیار همه چیز حق

دولت را صرف پوشاندن اشتباه دولت کند. می توانست بخت با سیستان و بلوچستان یار نباشد که برای اولین بار، استاندار اهل سنت و بلوچ داشته باشد، یا کردستان که برای اولین بار، استاندار کرد اهل سنت دارد، یا خوزستان و استاندار عرب را ش. می توانست بخت یار نباشد که به جای پزشکیان که اجتماعی که سهم بخت باعث افزایش شکاف شود اجتناب می کند، کس دیگری می بود که حرف و کنش او بهانه دعوا شود.

بطور خلاصه، در سازوکارهای سیاسی یا ساختارهای اجتماعی که سهم بخت در سیاست بالاست، به همان میزان نقش «شخصیت انسان» در تعیین جهت و تعیین اثر سیاست ها بیشتر است. اگر خود پزشکیان به «وفاق ملی» معتقد و اگر از نظر جایگاه حقوقی به لوازم وفاق ملتزم نبود، همین وفاق یکساله هم شکل نمی گرفت. در شکل گیری وفاق در حوزه سیاسی ایران، به هر اندازه که باشد، نمی توان شکاف های ایجاد شده در اصولگرایان را نادیده گرفت. یعنی بخشی از مسیر وفاق با کژکارکردی های قبیل هموار شد. بهتر است بگوئیم دشمن سازی ها و دشمنی ورزی های گذشته وفاق را به یک انتخاب ناگزیر تبدیل کرد. این هم کار بخت می تواند باشد، اما خلق و منش پزشکیان، سازه زیستی و مرام فردی، اخلاص شخصی و صداقت با مردم، راستی با کارگزاران و صراحت در بیان مشکلات و سادگی با سیاستمداران، ستون های اصلی عمارت وفاق هستند.

مهم است که رئیس جمهوری و دولتی داریم که هنگام رفع فیلتر و انس اپ، هیچ نمی گوید تا آن را در سید کارکردهای خود و دولتش بریزد. اگر این روحیه نبود، در جامعه ای که هر سرمایه سیاسی در کوره سیاست ذوب می شود، دولت پزشکیان هم می توانست به فهرست دولت های بی دستاورد اضافه شود. اما منش پزشکیان و روش او، که کار باید برای خدا باشد، این مسیری را ساخت.

اگر سایه تهدید دشمن خارجی نبود، اگر کاهش

سرمایه های اجتماعی و سیاسی نبود، و همه این «اگر» ها، به علاوه شخصیت و منش پزشکیان و خوی فردی اش در راینی ها در نهادهای بالادستی نبود، هیچ رئیس جمهور اصلاح طلب دیگری نمی توانست در کمتر از ۳ ماه ریاست جمهوری اش اجرای «قانون» عفاف و حجاب را متوقف کند.

باهر سیاستمدار اصولگرا روایت کرد که فردای پیروزی پزشکیان به ملاقات قالیباف رفت تا بگوید در وضع امروز کشور، چاره ای جز همراهی با پزشکیان نداریم. باهرنر گفت: «دیدم قبل گفتن من قالیباف هم بر همین عقیده است.» پس، اگر ضعف نهادی، کاهش ظرفیت حکمرانی و افزایش مشکلات اقتصادی نبود، شاید حتی مرام و منش پزشکیان هم نمی توانست این همدلی را در ارگان کشور ایجاد کند. اصلاً اگر مشکلات آشکار شده، به علاوه منش پزشکیان نبود که بی لحاظ جایگاه ریاست جمهوری، ساده و صادقانه در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام شرکت کند، لایحه خاک خورده FATF تصویب می شد؟

خلاصه اینکه اگر درست نگاه کنیم، ریاست جمهوری پزشکیان، هدیه بخت به ماست، نه پیامد ساختاری سازه های سیاسی و اجتماعی.

مسأله این نیست که ما ریاست جمهوری پزشکیان را مروهون بخت هستیم، ما ادامه ریاست جمهوری پزشکیان را هم مروهون بخت هستیم.

درباره ریاست جمهوری پزشکیان، کسی فکر نمی کرد آن مرد ساده پوشی که بدون خدم و حشم، دست در دست دخترش به وزارت کشور رفت و در انتخابات ثبت نام کرد، چند روز بعد به امید اکثریت رأی دهندگان ایرانی بدل شود.

تداوم ریاست جمهوری پزشکیان را هم مروهون بخت هستیم. می دانیم که موج اول حملات موشکی اسرائیل به جلسه شورای عالی امنیت ملی همه راههای ورود و خروج انسان و هوا را بسته بود.

موج دوم حمله موشکی آغاز شد تا کار را تمام کند، اما یک موشک، فقط یک موشک، به جای اینکه کار را تمام کند، در میان بتون ها شکافی باز کرد برای ورود هوا و خروج انسان.

موج دوم حمله، اقدامی بود برای بستن راه ورود هوا و به شهادت رساندن همه سران سیاسی و نظامی ایران در یک جا، غافل از اینکه بخت ایران سرنواشت دیگری در کیسه داشت.

امروز، البته که وفاق ملی، مثل همه سازه های اجتماعی و نهادی سال های اخیر ما ناپایدار است، هنوز کاملاً پابرجا نشده و هنوز ریشه نداشت. این وفاق بیشتر از همه متکی بر فرد است، یعنی مسعود پزشکیان و به سازوکار و نهاد تبدیل نشده، بر ناپایداری اش می افزاید. اما در فخط سال بهبود، هر روزنه ای را باید غنیمت دانست و در کویر امید، هر نسیمی را باید به تمامی دریافت. علی الخصوص که سیاست، کار امروز و فردا را کار پرشتاب و با عجله نیست، بلکه به قول «ماکس وبر» جامعه شناس آلمانی «سیاست، سفتن دشوار و آرام تخته های سفت است.» یا اینکه سیاست عرصه ممکن ها است و هیچ وضعیتی پایدار ابدی نیست.

امروز در روزگار فرار رسیدن بحران ها که روزانه از کیفیت اخلاقی و مادی زندگی های ما گاسته می شود، طبیعتاً طاقته ها طاق شده و حوصله ها کمتر شده است. حالا کو حوصله که منتظر بنشینیم که نهال وفاق، شاخ و برگ بدهد تا بعدا بخواهد میوه بدهد؟ تازه اگر تا آن زمان، بخت با ما یار باشد!

پس باید از بخت پرسید چرا «وفاق» اینقدر دیر آمده است؟ البته این از بخت یاری وفاق است که زمانی از راه رسید که اصولگرایان و اصلاح طلبان در حضیض سرمایه های خود قرار دارند و این یعنی برای دو نیروی مقابل، دیگر توان و توشی برای تنازع شکاف ساز و سرمایه سوز نمانده و خود، این فرصت است برای بازی گری و کنش سازی وفاق. اما مسأله فقط بی سرمایه شدن دو طرف سیاست ایران نیست، مردمان هم در طول سال های گذشته سرمایه های زیادی از دست داده اند و طلب صبر از آنان که باید تا بار دادن نهال وفاق صبور بود، ساده نیست؛ نفس گیر است.

با این همه، چرا رئیس جمهوری که اهل پیوند است، نه اهل گسل، چنین دیر آمده است؟ رئیس جمهوری که ثمرات «پیوندهایی که می سازد» را برای مردمش می خواهد، نه مانند دیگرانی که میوه گسل های سیاسی و اجتماعی را برای خود و دولت خودشان می چیدند، چرا چنین دیر آمده است؟

نبیی از سیاست انتخاب های ماست و نیم دیگر سیاست، بخت. باید از خودمان و از بخت ببرسیم.

هیچ گاه در پی پنهان سازی مشکلات نبوده و همواره تلاش کرده است ناقص را صریح بیان کند. بیان مشکلات، نشانه پذیرش آنهاست و کسی که بپذیرد کاستی ای وجود دارد، به طور طبیعی برای رفع آن نیز تلاش خواهد کرد.

به همین دلیل، صداقت و شفافیت را می توان وجه تمایز اصلی دکتر پزشکیان دانست؛ و امیدوارم این خصلت ارزشمند تا پایان دوره ریاست جمهوری ایشان همچنان پایدار بماند.

انتخابات، از نامزد هایی با همان مشی و منش اعتدالی حمایت کردیم و نتیجه آن حضور چهره هایی در مجلس شد که نهایتاً به تشکیل «فراکسیون مستقلین» انجامید. چند ماه بعد، همین جمع گسترده تر شد و در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۲ بار دیگر پستوانه ای جدی برای حمایت از دکتر پزشکیان شکل گرفت؛ حمایتی که با اعتماد مردم همراه شد و به پیروزی ایشان انجامید. از نگاه من مهم ترین ویژگی دکتر پزشکیان صداقت و شفافیت در برابر مردم است. او

را با رویکردی متعادل و قابل اجرا دنبال کند. در آن سال با وجود جلسات و گفت و گوهای فراوان، ستاد انتخاباتی به طور کامل شکل نگرفت و صلاحیت شان هم تأیید نشد. اما در سال های پس از آن، ارتباط ما هم به صورت فردی و هم جمعی ادامه پیدا کرد؛ پیوزۀ در انتخابات مجلس ۱۴۰۲ که جمع ما با عنوان «روزنه گشا» فعالیت داشت. در آن

آشنایی من با آقای دکتر پزشکیان به سال های قبل از انتخابات چه مجلس و چه ریاست جمهوری بازمی گردد. تلاش های من و جمعی از دوستان برای حمایت از ایشان در مسیر ریاست جمهوری، از سال ۱۴۰۰ آغاز شد؛ همان زمانی که کمپینی برای معرفی ایشان شکل گرفت. ما معتقد بودیم دکتر پزشکیان گزینه مناسبی برای اداره کشور است؛ زیرا از یک سو ریشه در جریان اصلاح طلبی دارد و از سوی دیگر با مشی اعتدالی خود همواره کوشید اصلاح طلبی



حجت نظری
رئیس ستاد
چونان پزشکیان
در ایام انتخابات



اعتماد برآمده از صداقت